

## اعتبار علمی واقدی و مغازی او

اثر: دکتر محمد حسین واقدی راد

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر

(از ص ۳۳۱ تا ۳۴۵)

### چکیده:

باورهای دینی امروز مسلمانان برخاسته از گذشته اسلام است. کتاب‌های تاریخ یکی از منابع دین‌شناسی به حساب می‌آیند. از آن جمله کتاب مغازی واقدی است.

محمد بن عمر واقدی نخست در مدینه می‌زیست، در سال ۱۸۰ به دربار هارون پیوست و در حکومت مأمون به قضاوت پرداخت. این وابستگی او در ترویج کتابش بی‌تأثیر نبود. اعتبار علمی او در زمان خود و پس از آن مورد اختلاف بود. افرادی او را ستودند و بسیاری نکوهش کردند. محدثان و پیشوایان مذاهب روایت‌های او را بی‌اعتبار دانستند، اما تاریخ‌نگاران به کتاب او استناد کردند و امروز نیز کتاب مغازی او را معتبر می‌دانند.

**واژه‌های کلیدی:** شخصیت واقدی، مغازی واقدی، تاریخ اسلام، بازنگری.

مقدمه:

پس از رحلت پیامبر ﷺ و ماجرای سقیفه، جریان‌های مختلف کلامی و سیاسی پدید آمد. بسیاری نویسندگان در راستای تأیید و استمرار سیاست‌های سقیفه به تدوین تاریخ و حدیث پرداختند. آن کتاب‌ها مبنای اندیشه‌های آیندگان قرار گرفت. آنها نیز به استناد همان کتاب‌ها و با انگیزه‌های سیاسی کتاب نوشتند، که خالی از تحریف نیست. جای آن دارد که نخست به بررسی آن کتاب‌ها و سپس به بازنگری تاریخ اسلام پرداخت.

یکی از کتاب‌های تاریخ، مغازی واقدی است که به خاطر قدمتش ارج فراوان یافت. اما آیا واقدی و مغازی او چنین اعتبار علمی دارد؟

مؤلف:

ابو عبدالله محمد بن عمر بن واقد اسلمی (مولی بنی سهم از بطون اسلم) مدنی و از موالیان بود. نخست در مدینه می‌زیست. شماری تصریح کرده‌اند: جد او «واقد» مولای عبدالله بن بریده بن حصیب اسلمی یا مولای بنی هاشم بود. افرادی نیز او را با محمد بن ابی شمله و عبدالملک یکی دانسته‌اند (خطیب، موضح او هام الجمع والتفریق ۲ / ۴۱۸؛ ذهبی، میزان الاعتدال ۳ / ۶۶۲ اصلیت نژادی او روشن نیست و گفته شده مادرش ایرانی بوده است (ابوالفرج، الاغانی ۳۲۲/۸).

در تاریخ تولد و مرگ او اختلاف نظر وجود دارد. تولد او را ۱۲۹، پایان ۱۲۹، اوایل ۱۳۰ و ۱۳۰ و نیز مرگ او را ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۹ نوشته‌اند. شرح حال او را برخی به تفصیل و شماری به اجمال آورده‌اند. او در مدینه نزد: ابن ابی ذئب، معمر بن راشد، مالک بن انس، ربیع بن عثمان، ابن جریر، سفیان ثوری و... درس خواند (ابن سعد ۷ / ۳۳۵؛ خطیب ۳ / ۱). تخصص او در تاریخ اسلام، به ویژه مغازی رسول خدا ﷺ بود.

در موضوع جنگ‌های پیامبر ﷺ به تفصیل سخن گفت، جای جنگ‌ها را از نزدیک دید. (خطیب ۳ / ۶) اما گزارش جغرافیای جنگ‌ها در کتابش نیامد. به سراغ فرزندان صحابی و شهدا و موالیان نیز می‌رفت تا شنیده‌های آنان را ثبت کند. (خطیب ۳ / ۶).

وی در مسجد پیامبر ﷺ به تدریس پرداخت (خطیب ۳ / ۷). آن زمان که واقدی در مدینه بود هارون الرشید و یحیی بن خالد برمکی در سفر حج به آنجا رفتند و از او خواستند تا جای نزول فرشته و قبور شهدا را به آنها نشان دهد. او شب هنگام تا سحر توضیحات لازم را داد. گزارش او مورد توجه هارون قرار گرفت، مبلغ ده هزار درهم به وسیله یحیی بن خالد برمکی برای او فرستاد. یحیی بن خالد از او خواست تا به بغداد بیاید (ابن سعد، ۵ / ۴۲۷)؛ بروکلیمان (تاریخ الادب العربی ۳ / ۱۷) گوید: «هارون از او خواست» اما این گفته او در منابع اسلامی ذکر نشده.

گزارش سفر او را به بغداد، نخست ابن سعد، کاتب و منشی او، و خطیب به روایت یحیی العنبری به تفصیل آورده‌اند و دیگران به همین دو گزارش استناد کرده‌اند.

وی با مبلغ یکصد هزار درهم، سرمایه دیگران و با قرارداد مضاربه به داد و ستد گندم پرداخت (خطیب ۳ / ۴) پس از چندی ورشکست و بدهکار شد. و در پی ناداری (ابن سعد ۵ / ۴۲۶) در سال ۱۸۰ به بغداد رفت. «به روایت ابن سعد» پس از تلاش و مشکلات فراوان توانست در (رقه شام) و در شب‌های آخر ماه رمضان توسط بکار زبیری (طبقات ۵ / ۴۲۸) و «به روایت خطیب» توسط نگهبانان (خطیب ۳ / ۴) نزد یحیی بن خالد برمکی راه یابد. و یحیی نیز «به روایت ابن سعد» به مدت سه شب هر بار مبلغ پانصد (ابن سعد، ۵ / ۴۲۷) و «به روایت خطیب» هزار دینار (خطیب؛ ۳ / ۴) به او داد، و در مرتبه آخر «به روایت خطیب» دوست هزار درهم به او بخشید و دستور داد خانه و وسایل منزل نیز برایش فراهم کنند (خطیب: ۳ / ۴).

یحیی بن خالد برمکی او را روز عید نزد هارون برد؛ هارون نیز مبلغ سی هزار درهم به او داد (ابن سعد، ۵ / ۴۳۰) واقدی خواست به مدینه برود، یحیی بن خالد وسایل سفر او را تا بغداد ز از آنجا تا مدینه تأمین کرد (طبقات ۵ / ۴۳) و از او خواست به بغداد بازگردد. وی با پولی که گرفت بود طلب‌های دیگران را پرداخت کرد و در همان سال ۱۸۰ به بغداد بازگشت. و در ناحیه غرب ساکن شد و تا سال ۲۰۴، «زمان بازگشت مأمون به بغداد» در همان ناحیه بود. نیازهای مالی او را یحیی بن خالد تأمین می‌کرد. مأمون او را به قضاوت در شرق بغداد منصوب کرد. عامل رفتن او به بغداد نیازهای مالی بود، نه ترویج دانش مغازی، چنان که جونس گفته است (مقدمه مغازی واقدی) او کتاب‌های بسیار داشت.

گفته‌اند: زمانی که از غرب بغداد به شرق آن منتقل شد ۱۲۰ یا ۶۰۰ بار کتاب داشت (خطیب، ۳ / ۶) اما روشن نیست تألیفات خود او بوده یا دیگران؟ گویا بیشتر آنها کتاب‌های دیگران بود که برایش نسخه نویسی کرده بودند. چنان که ابن ندیم گوید: او دو غلام داشت که شب و روز برایش می‌نوشتند (الفهرست، ۱۱۱). او در دو حکومت هارون و مأمون مورد عنایت ویژه بود. یحیی بن خالد و مأمون نسبت به او توجه ویژه داشتند. پول‌های فراوانی به مبلغ ده هزار تا یکصد هزار دینار به او می‌بخشیدند (خطیب ۳ / ۱۱).

#### اعتبار علمی :

در تأیید یا ردّ او فراوان سخن گفته شد. برخی معاصرانش او را ستودند، القاب و عناوین: علامه، دانای روزگار، پیشوای تاریخ‌نگاری، شهره آفاق و... را در وصف او به کار بردند. اما فقیهان، محدثان و صاحبان تراجم نوشته‌های او را بی اعتبار دانسته و دلیل‌های قابل قبولی نیز آورده‌اند.

از جمله افرادی که او را ستوده‌اند عبدالله مأمون (خلیفه)، ابراهیم حرّبی، مصعب زبیری، عبدالله بن مبارک، ابا عامر عقدی، دراوردی، محمد بن سلام

جمعی، یزید بن هارون، ابو عبید قاسم بن سلام است. و بسیار دیگر...؛ (خطیب ۹/۳) بسیار دیگر روایات او را بی اعتبار دانسته اند از جمله:

احمد بن حنبل، ابن ادريس شافعی، محمد بن اسماعیل بخاری (خطیب: ۱۴/۳؛ ابن عساکر، ۴۵۷/۵۴؛ بخاری، تاریخ الكبير ۱ ش ۵۴۳ و ضعفاء الصغیر / ۲۳۳ ش ۵۳۱ و تاریخ الصغیر ۲/۲۸۳)، مسلم، احمد بن شعيب نسایی (الضعفاء / ۲۱۷ ش ۵۵۷، خطیب، ۱۵/۳).

(همو گوید: «افرادی که بسیار به دروغ پرداختند و به عنوان دروغ‌گویان نسبت به رسول خدا ﷺ شهرت یافتند چهار نفراند: واقدی در مدینه، مقاتل در خراسان و محمد بن سعید مصلوب در شام، «سیر اعلام ۹/۴۶۲» «واقدی ببغداد»، اکمال تهذیب الکمال ۱۰ / ۲۹۰، (خطیب، ۱۶۸/۱۳) سیوطی (تدریب الراوی ۱/۲۸۷). دار قطنی (الضعفاء والمتروکین ش ۴۷۷. و سنن دار قطنی ۱۶۴/۲ و ۱۹۲ و ۲۱۳) می باشند.

علی بن مدینی و یحیی بن معین: واقدی بیست هزار (عقیلی، ۱۰۹/۴) یا سی هزار (مزی، ۱۸۷/۲۶) حدیث جعل نموده (خطیب، ۱۳/۳).  
ذهبی و ابن عماد حنبلی، والصفدی: بی اعتباری روایات او اجماعی است (الصفدی ۴/۲۳۸ ابن عماد ۲/۱۸، سیر اعلام النبلا ۹/۴۶۹).

کنانی نیز نام او را در فهرست جااعلان حدیث آورده است (تنزیه الشریعه ۱/۱۱۱/۲۲۷).  
احمد بن حنبل گوید: او کتاب‌های منبهی را امانت می‌گرفت و سپس در شمار کتاب‌های خود قرار می‌داد. نسبت به کتاب‌های زهری نیز چنین می‌کرد. (مزی، تهذیب الکمال ۲۶/۱۸۵؛ عقیلی ۴/۱۰۷) شیخ طوسی نیز (الفهرست / ۱۶) گوید: افراد مورد اعتماد اهل سنت گویند: «تمام کتاب‌های واقدی همان کتاب‌های ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی است که واقدی آنها را به نام خود معرفی کرده است». (تستری: قاموس الرجال ۹ / ۴۹۲) خطیب نیز به همین مطلب اشاره کرده (۱۳/۳).

علی بن مدینی نیز همین مطلب شیخ طوسی را گفته است (خطیب ۱۳/۳). در نتیجه واقدی در عصر خویش و پس از آن، مورد نکوهش و گفته‌هایش بی اعتبار بود. با این وصف بسیاری محققان در تاریخ نگاری تمام گفته‌های او را مردود ندانسته و به روایات او استناد کرده‌اند.

### قضاوت:

ابن سعد (۴/۳ و ۳۳۴/۷) و خطیب (۴/۳) تصریح کرده‌اند او در زمان مأمون به مدت چهار سال قاضی شرق بغداد بود که عسکر المهدی نام داشت. وکیع نیز همین مطلب را گفته است (۲۷۰/۳) نویسندگان پسین همین گفته آنها را آورده‌اند. ابن خلکان (۳۵۰/۴) از سخن ابن قتیبه چنین فهمیده او زمانی که قاضی غرب بغداد بود فوت کرد و فهم او اشتباه است. تنها یاقوت گفته است رشید او را به قضاوت در شرق بغداد منصوب کرد. لیکن برخی خاورشناسان چون بروکلمان، فؤاد سزگین (۱۶/۳ و ۴۱۹/۱) گفته‌اند او در زمان رشید نیز قاضی بود. جونس نیز ضمن یادکرد اشتباه فهم ابن خلکان از سخن ابن قتیبه گوید: او در زمان رشید و مأمون قاضی بود. لیکن در منابع پیشین دلیلی بر این مطلب وجود ندارد. گفته یاقوت نیز بی دلیل است.

### آثار:

واقدی در موضوعات مختلف اطلاعاتی داشت اما تخصصش در تاریخ جنگ‌های پیامبر ﷺ و پس از آن حضرت بود. ابن ندیم در الفهرست / ۱۶۵، نام کتاب‌های او را این گونه آورده است.

کتاب: ۱- التاریخ والمغازی والمبعث، ۲- اخبار مکه، ۳- الطبقات، ۴- فتوح شام، ۵- فتوح العراق، ۶- الجمل (در المعجم، يوم الجمل آمده)، ۷- مقتل الحسين (در هدیه، مقتل حسن بن علی آمده)، ۸- السیره (در الوافی، نیامده)، ۹- وفاة النبی، ۱۰- الردة

والدار (در هدیه، الرده آمده)، ۱۱- حروب اوس والخزرج، ۱۲- صفین (در الوافی، نیامده)، ۱۳- ازدواج النبی، ۱۴- امر الحبشة والفیل (الوافی، امراء الحبشة والفیل «به نظر می رسد غلط چاپی است»، ۱۵- المناکح، ۱۶- السقیفة و بیعة ابی بکر، ۱۷- ذکر القرآن. (نسخه بدل و نیز در الوافی، اذان)، ۱۸- سیره ابی بکر و وفاته (در هدیه، وفاته نیامده)، ۱۹- مداعی قریش (الوافی، تداعی) (المعجم، مداعی) والانصار فی القطائع و وضع عمر الدواوین و تصنیف القبائل و مراتبها و انسابها (ابن جمله آخر در دیگر کتاب ها نیامده). ۲۰- الترغیب فی علم المغازی (نسخه بدل، «الترغیب فی علم القرآن») و غلط الرجال (هدیه، الترغیب لعله الترغیب فی علم القرآن و غلط الرجال)، (معجم، الترغیب فی علم القرآن)، ۲۱- مولد الحسن والحسین و مقتل الحسین (ع) (در هدیه، مقتل الحسین نیامده) (در المعجم، مقتل الحسین جدا آمده)، ۲۲- ضرب الدنانیر و الدرهم (در الوافی، الدرهم نیامده)، ۲۳- تاریخ الفقهاء، ۲۴- الآداب، ۲۵- التاریخ الکبیر، ۲۶- غلط الحدیث، ۲۷- السنة و الجماعة و ذم الهوی و ترک الخروج (نسخه بدل الخوارج) و الفتن، (در الوافی، و ترک الخروج فی الفتن آمده) (در هدیه، و ترک... نیامده و نیز در المعجم)، ۲۸- الاختلاف. مشتمل بر اختلاف اهل مدینه و کوفه... (در تمام ابواب فقه) (در هدیه، «تفسیر القرآن» نیز آمده است) (الصفدی، ۲۳۹/۴، اسماعیل پاشا، ۱۴/۶؛ یاقوت، ۲۸۲/۱۸؛ جونس، مقدمه / ۱۱، دهخدا، ۲۰۴۱۳/۱۴؛ روضات الجنات، ۲۶۸/۷ (فقط کتاب رده را نام برده است)؛ افزون بر گذشته چند کتاب دیگر نیز به نام او ثبت شده است: ۲۹- الصوائف، ۳۰- طعام النبی (بروکلمان: تاریخ الادب العربی ۱۷ / ۳؛ ابن عساکر ۲ / ۳).

کتاب هایی به نام واقدی چاپ شده که با این فهرست چندان سازگار نیستند.

- ۱- فتوح منف و الاسکندریه، ۲- فتوح الإسلام لبلاد العجم و الخراسان، ۳- فتوح افریقیه، ۴- فتوح البهنساء، ۵- فتوح الجزیره، ۶- فتوح الجزیره و العراق و المعجم، ۷- فتوح الشام، ۸- فتوح العجم، ۹- فتوح مصر و الإسکندریه، ۱۰- فتوح مصر و اعمالها، ۱۱- المغازی (الیاس سرگیس، معجم المطبوعات العربی ۱۹۰۸/۲؛

بروکلمان، تاریخ الادب العربی ۱۸/۳، وسزگین، تاریخ التراث العربی ۱۰۴/۲/۱ و جونس، مقدمه مغازی ۱/۱).

در برابری آن فهرست با این نام‌ها تنها دو کتاب: مغازی و رده تا حدودی تطبیق می‌کند. محققان اطمینان دارند تنها مغازی کتاب اوست. جونس کتاب رده را نیز از کتاب‌های او می‌داند. (۱۳/۱) گویا این کتاب‌ها تألیف کسان دیگر است که به نام او منتشر شده.

#### سند کتاب:

تردیدی نیست که کتاب مغازی، تألیف واقدی است و آن را ابو محمد حسن بن علی بن محمد جوهری و او از ابو عمر محمد بن عباس بن محمد بن زکریا بن حیویه، روایت نموده و او نیز آن را در سال ۳۲۸ از استادش شنیده. (مغازی ۱/۱) همین سند را ابن عساکر (۳/۲) نیز آورده.

بروکلمان نیز گوید: «مغازی به روایت ابو عمر بن عباس بن محمد بن حیویه «مکی قرن چهارم»... (GAL,?, 1937) لیکن در ترجمه عربی این کتاب، ... «محمد بن خالویه، آمده و اشتباه است (تاریخ الادب العربی ۶/۳).

اما کتاب مغازی، آیا بخشی از یک کتاب بزرگ بوده و یا کتاب مستقل است، جای تردید وجود دارد.

#### نسخه‌های خطی:

۱- نسخه وین: (۸۸۱) (۱۹۶گ) کتابخانه بریتانیا ۴۱۶ (این شماره در تاریخ الادب چنین آمده است: اول ج ۲: ۴۱۹) ۲۰۷۳۷ (۱- ۱۳۴گ، ق ۶ه) کتابخانه بریتانیا ذیل ۵۰۲، ۱۶۱۷ (۲۵۲گ ۵۶۴ه) فؤاد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی ۴۲۰/۱، بروکلمان ۱/۲۰۷، GAL، و تاریخ الادب العربی ۱۶/۳ (در این کتاب تعداد صفحه و برخی شماره‌ها نیامده)، تاریخ التراث العربی ۱۰۲/۲/۱.



چنان که ملاحظه شد این نسخه در ۵۸۲ برگ است که گویا توسط چند نفر در قرن ششم نوشته شده است.

۲- نسخه قاهره: خلاصه مغازی واقدی به خط ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲ هـ / ۱۴۴۹ م در قاهره (دوم، ۵/۱۴۳ ش ۵۲۲)، موجود است (تاریخ نگارش های عربی ۱/۴۲۰، تاریخ التراث العربی ۱/۲۰۲، تاریخ الادب العربی ۳/۷ شماره ۵۲۲ در این کتاب ۳۶۹ آمده است).

به استناد این نسخه، تنها کلیات مغازی واقدی را می توان تأیید کرد و مبنای تحقیق علمی قرار نمی گیرد.

۳- نسخه بغداد: بخشی از مغازی واقدی به خط محمد بن عبدالرحمن الماجدی شافعی در سال ۸۷۴ هـ نوشته شده و در بغداد موجود است (کورکیس عواد: الذخائر الشرقيه ۴/۱۱۷ دار الغرب).

۴- نسخه ابن ابی الحدید:

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه (به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۳۸۵) گزارش جنگ بدر، ۱۴/۸۴-۲۱۳ و جنگ احد، ۲۱۳-۲۷۷ و ۱۵/۳-۶۰ و جنگ موته ۶۱-۷۱ و فتح مکه، ۱۷/۲۵۷-۲۸۴ و ۱۸/۷-۱۸ را از مغازی واقدی آورده و سندش را به واقدی حذف کرده.

وی در آغاز جنگ بدر (۱۴/۸۴) و جنگ احد (۱۴/۲۳) و جنگ موته (۱۵/۶۱) گوید: این داستان را از مغازی واقدی می آورم، آنچه را که ابن اسحاق و بلاذری افزوده اند نیز می افزایم.

ظاهرش چنین می نماید که عین عبارت های واقدی را آورده است. اگر چنین باشد این نقل او در حکم یکی از نسخه های مغازی واقدی است، لیکن در جریان فتح مکه (۱۷/۲۵۷) گوید خلاصه مغازی را می آورم.

او سپس پارانگراف ها را به صورت «قال الواقدی» نقل کرده و اندکی از گفته های ابن اسحاق و به صورت بسیار جزئی از بلاذری افزوده است.

در برابری مغازی واقدی به کوشش عباس شربینی و جونس با آنچه که در شرح نهج البلاغه آمده است، اختلاف‌های ذیل به چشم می‌خورد:

- ۱- تغییر و تبدیل حروف ربط و ضمائر و اسم‌ها به یکدیگر.
- ۲- تغییر برخی کلمه‌ها.
- ۳- حذف نام راویان.
- ۴- تغییر برخی واژه‌ها و جمله‌ها و نقل به مضمون و یا تلخیص.
- ۵- حذف و اضافات، جمله‌هایی در شرح نهج البلاغه است که در مغازی دیده نشده و برعکس.

۶- آمیختگی روایات با یکدیگر و آمیختگی آنها با نظرگاه ابن ابی الحدید. این اختلاف‌ها کم و بیش در تمام آنچه که ابن ابی الحدید آورده با مغازی که منتشر شده گسترده است. آیا ابن ابی الحدید در متن مغازی تصرف کرده؟ یا نسخه‌ای که برای او روایت شده چنین بوده؟ فراز و نشیب عبارت‌ها که در هر دو کتاب نوسان دارند برحسب مورد یکی از دو احتمال را تأیید می‌کند.

#### ۵- متفرقه :

شماری نویسندگان قطعه‌هایی را به صورت پراکنده آورده‌اند از جمله: ابن عساکر، تاریخ دمشق ۳/۲ = مغازی ۱/۵۶۰؛ ۵/۲ = مغازی ۲/۷۵۲ و ۷۵۸؛ ۲/۱۳ تا ۱۵ = مغازی ۷۶۰ تا ۷۶۴؛ ۲/۲۲، ۲۳ = مغازی ۷۶۹ تا ۷۷۱؛ ۲/۳۳ تا ۳۷ = مغازی ۲/۹۸۹ تا ۱۰۱۸؛ ۲/۵۵ = مغازی ۲/۱۱۸ و سیوطی، جامع الاحادیث ۱۳/۲ تا ۲۱۵ = مغازی ۲/۱۱۸ و ۱۶/۱۳۰ تا ۱۳۲ = مغازی ۱/۶۷ تا ۷۰. (اندک اختلاف به چشم می‌خورد)؛ ذهبی، تاریخ الاسلام در تمام ج ۱ به وفور آورده؛ ابن کثیر: البدایه و النهایه ج ۳/۲۹۵ به بعد و در تمام ج ۴ به وفور و بی‌هقی، دلایل النبوه ج ۴، ۵ و ۶. این قطعه‌ها با مغازی که چاپ شده اختلاف چندانی ندارند و گویا راویان آنها و مغازی یکی بوده‌اند.

طبری نیز در کتاب تاریخ به مغازی واقدی استناد کرده است. با این تفاوت که عین روایت او را نیاورده و خلاصه نموده و اختلاف روایت او را با دیگران نیز بیان نموده است از جمله: تاریخ طبری ۳ / ۵۵۲ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۳۸۷ = مغازی ۱ / ۳۶۴.

### انتشار مغازی :

- ۱- یک سوم کتاب مغازی را فن کرم در اثرش، تاریخ غزوه‌های محمد (ص) در ۱۸۵۶ م در کلکته چاپ کرد.
- ۲- متن کامل عربی به کوشش عباس شربینی در سال ۱۹۴۸ م در قاهره به طبع رسید.
- ۳- همان متن را جونس با تحقیق و تصحیح و مقدمه در سال ۱۹۶۶ م در سه جلد در لندن به زیور طبع آراست.
- ۴- متن تحقیق شده جونس را مؤسسه الاعلمی بیروت منتشر نمود. متن افسد شده آن را اسماعیلیان و نشر دانش اسلامی در ایران منتشر کردند.

### ترجمه :

آلمانی: یولیوس ولهاوزن (۱۹۱۸-۱۸۴۴)، خاورشناس آلمانی، کتاب مغازی را به صورت مختصر به آلمانی ترجمه و در سال ۱۸۸۲ م در برلین چاپ کرد.  
ترکی: ترجمه ترکی آن در سال ۱۲۶۱ هجری در استانبول منتشر شد.  
فارسی: ترجمه فارسی از مترجمی ناشناخته نسخه: حاجی محمود ۴۷۶۴ (۳۸۶گ) (تاریخ الادب العربی ۱۶/۳ و ۱۷؛ تاریخ نگارش‌های عربی ۱/۴۲۰).  
فارسی: همان متن تحقیق شده جونس را مهدوی دامغانی به فارسی ترجمه و نشر دانشگاهی منتشر نمود.

### مغازی واقدی در مسیر تاریخ:

گرچه محدثان و فقها، گفته‌های واقدی را بی اعتبار دانسته اما همان کسان و اکثر قریب به اتفاق تاریخ‌نگاران، کم و بیش از کتاب مغازی او نقل قول آورده‌اند. این خود دلیل است که نخست مغازی واقدی در اختیار آنها بوده و در ثانی گفته‌های واقدی را در موضوع تاریخ معتبر می‌دانستند. عاملش نگرش‌های غیر علمی بود که به تاریخ با دیده تسامح نگریستند. (سیر اعلام، ۴۶۹/۹)؛ (معجم الأدباء، ۲۷۹/۱۸)؛ (سیره حلبی، ۲۴/۱).

### محتوا:

مغازی واقدی از نظر محتوا سست است. چون روایات مختلف را به هم آمیخته و در حکم «مرسل» اند، تنها اندکی را با سند آورده است. شماری از مطالب کتاب نیز با منطق عقلی، دینی حتی در جایی که بدون اختلاف نقل نموده سازگار نیستند. برخی سربیه‌ها را چنان آورده که با دستورات اسلام تطابق ندارد. از جمله سربیه عکاشه بن محصن به غمر: (واقدی ج ۱/۵۵۰).

### اسناد روایات:

واقدی نخست نام حدود بیست و پنج نفر را برشمرده که روایات کتاب را نقل کرده‌اند (واقدی ج ۱/۱ و ۲).  
وی در ادامه کتاب نیز در بسیاری موارد همین گونه عمل نموده و نام همان افراد را با کاستی، یا فزونی آورده.  
او پس از برشماری راویان، به صورت جمعی، گزارش‌های کتاب را با یکی از چهار شیوه بیان نمود:  
۱- آمیختگی روایات: او تمام روایات را به هم آمیخته و حاصل همه را یکجا و با واژه: «قالوا» آورد.

۲- بیان نام راویان: شماری روایات را با یادکرد نام راوی و راویان آورده.  
۳- مبهم: تعدادی فرازاها را به گونه‌ای آورده که اذعان می‌شود استنباط خود اوست.

۴- مرسل: شماری گزارش‌ها را به صورت مرسل آورده.  
ارتباط او با منابعش با یکی از همین چهار مورد است.  
از این چهار مورد تنها گزارشی که مستند آمده شایسته استناد است.  
فؤاد سزگین نیز دو ویژگی‌ی: برشماری روایات به صورت جمعی و سپس بیان گزارش و به کارگیری واژه «حُدُّثُ»، را آورده.  
ترجمه فارسی و عربی متن آلمانی درخصوص این مورد اختلاف دارند.

#### نتیجه:

شخصیت واقدی و کتاب او همیشه مورد نکوهش محدثان و اهل نظر بود و به دلیل آنکه گزارش‌های کتاب او آمیختگی دارند و برخی نیز مرسل و ضعیف می‌باشند، به طور کامل اعتبار علمی ندارد، و نمی‌توان آن را مبنای دین پژوهشی و نظریه‌پردازی قرار داد. در عین حال مغازی واقدی همیشه مورد توجه تاریخ نگاران بوده و امروز نیز از کتابهای معتبر به شمار آمده لازم است کتاب‌های تاریخ اسلام مورد نقد و ارزیابی بیشتر قرار گیرد. و به منظور راهیابی به واقعیت تاریخ باید معیارها و ضوابط کلی دیگر را در نظر گرفت.

#### منابع:

ابن اثیر، الكامل ۳۸۵/۶، واللباب ۳/۳۵۰؛ ابن جوزی، ابو الفرج، المنتظم ۹ / و  
۱۰/۱۷۰، الضعفاء والمتروکین ۳/۸۷؛ ابن حبان، المجروحین ۲/۲۹۰؛ ابن حجر،  
تهذیب التهذیب ۹/۳۶۶، وتقريب التهذیب ۲/۱۹۴؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان  
۴/۳۴۸/۶۴۴؛ ابن سعد، طبقات، ۵/۴۲۵ و ۷/۳۳۴؛ ابن سید الناس، سيرة النبوة،

مقدمه/٢٦؛ ابن عدی، الكامل ٢٤١/٦؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق ٤٣٧/٥٤؛ ابن عماد، شذرات الذهب ١٨/٢؛ ابن فرحون، الدیاج المذهب/٣٢٩/٤٣٨؛ ابن قتیبه؛ المعارف/٥١٨؛ ابن کثیر، البداية والنهاية ٢٨٤/١٠؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق ١٤٠/٢٣؛ ابن ناصر الدین، توضیح المشتبه ١٦٧/٩؛ ابن ندیم، الفهرست/١١١؛ ابن وردی، تاریخ ٢٠٨/١؛ ابو الفداء، المختصر فی اخبار البشر، ٢٨/٢؛ ابو نعیم، الضعفاء/٢٣٦؛ اتابکی، النجوم الزاهره ١٨٤ / ٢؛ اسماعیل پاشا، ذیل کشف الظنون «هدیه العارفين» ١٠/٦؛ اعلمی حائری، دائرة المعارف ٢٦٧/١٨؛ بخاری، تاریخ الكبير ١٧٨/١ش ٥٤٣؛ تاریخ الصغير ٢٨٣/٢؛ ضعفاء الصغير / ٥٣١؛ بروکلیمان G.A.L/1/201؛ تاریخ الادب العربی ترجمه عبدالحلیم النجار ١٥/٣؛ تستری، قاموس الرجال ٩/٤٩٣؛ جوزجانی، احوال الرجال/٢٢٨؛ حلبی، کشف الحثیث/٧١٣/٣٩٦؛ خطیب، تاریخ بغداد، ٤/٣؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ ٣٨٨/، و طبقات / ٣٢٢١؛ خوانساری، روضات الجنات ٧/٢٦٨/٦٣٧؛ خوی، معجم رجال الحدیث ١٧/٧٣/١١٤٥٥، والمعین / ٧٨٠/١١٤٥٣؛ دائرة المعارف فارسی ٣١٢٣/٢/٢؛ دارقطنی، الضعفاء / ٤٧٧؛ دکتر محمود ابوالخیر، مقدمه کتاب الرده؛ دولابی، الکنی ٢/٦٠؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء ٩/٤٦٧ و تاریخ الاسلام، ١٤/٣٦٣، ودول الاسلام / ١٥ و تذکرة الحفاظ ١/٣٤٨/٣٣٤، والعبر ١/٢٧٧، ومیزان الاعتدال ٣/٦٦٢/٧٩٩٣؛ دیوان الضعفاء / ٣٢٥/٣٩٠٣ والمقتنی / ٣٦٦ والکاشف ٣/٦٥/٥١٣٧ والمغنی ٢/١٩٦؛ یافعی، مرأة الجنان ٢ / ٢٨؛ رازی، الجرح والتعديل ٨ / ٩٢؛ زرکلی، الاعلام / ٦ / ٣١١؛ سبحانی، موسوعة طبقات الفقها ٣ / ٥٤٣؛ سمعانی، الانساب / ٥ / ٥٦٦؛ سید محسن امین، اعیان الشیعة ١٠ / ٣٠؛ سیوطی، طبقات الحفاظ، ١٤٩ / ٣١٧، و تاریخ الخلفا / ٣٣٣ و لب اللباب ٢/٣١٣/٤١٣؛ وتدريب الراوی ١/٢٧٨؛ شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی ٣/١٢٥؛ شیخ آقا بزرگ، الذریعة ٢١ / ٢٩٠؛ الصفدی، الوافی بالوفیات ٤ / ٢٣٨؛ عقیلی، ضعفاء ٤/١٠٨/١٦٦٦؛ عمر کحاله، معجم المؤلفین ١١ / ٩٦؛ فتحی عثمان

المدخل الى التاريخ الاسلام / ۱۴۵؛ فرانتس روز نثال، تاريخ تاريخ نگاری، ترجمه اسدالله آزاد / ۸۹؛ فرید وجدی؛ ۱۰ / ۶۲۲؛ فؤاد سزگین G.A.S/1/295 و تاريخ التراث العربی، ترجمه محمود فهمی حجازی، ۱ / ۲ / ۱۰۰؛ و تاريخ نگارش های عربی، ترجمه: مهران ارزنده و شیرین شادفر، ۱ / ۴۱۹؛ قاموس الاعلام (ترکی) ۶ / ۴۶۶۳؛ کورکیس عواد، الذخائر الشرقية ۴ / ۱۱۷؛ لغت نامه دهخدا ۱۴ / ۴۱۳ / ۲۰؛ مارسدن جونس، مقدمه مغازی واقدی؛ محمد تقی بهار، سبک شناسی ۱ / ۱۶۱؛ محمد طاهر، المغنی / ۲۶۶؛ مزی، تهذیب ال کمال، ۲۶ / ۱۸۰ و ۱۹۲؛ مسعودی، مروج الذهب ۴ / ۳۳؛ مغلطای، اکمال تهذیب ال کمال ۱۰ / ۲۹۳؛ الموسوعة العربیه ۲۷ / ۲۹؛ نسایی، الضعفاء والمتروکین / ۵۵۷؛ وکیع اخبار القضاة ۳ / ۲۹۰؛ یاقوت حموی، معجم الادباء، ۱۸ / ۲۸۱؛ الیان سرگیس، معجم المطبوعات العربیه ۲ / ۱۹۰۷؛ یحیی الجبوری، مقدمه کتاب الرده؛



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی